

متن پیاده سازی شده درس خارج روش شناسی استنباط احکام فقه پزشکی

جلسه سی و دوم مسلسل 1398 - 1400

جلسه هجدهم سال 1399 - 1400 (2 اسفند 1399)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين

مدیریت اجمالی روایات امساک

درس امروز ما هم ساحت کلامی دارد هم ساحت فلسفه فقه؛ یا همان اصول فقه ما بعد از این که نظر آقا مصطفی خمینی را مطرح کردیم رسیدیم به روایات امساک؛ روی مباحث باید کار کرد؛ بحث امروز ما شروع فنی خوبی است. با توجه به روایات، بدون توجه به روایات. ببینید در حدی که من امروز می توانم در کلاس بگویم، این است که ما در این مساله باید همه ادله را ببینیم. ما تعبیر می کنیم به نظام حلقوی... یعنی این مساله را باید در یک سیستم ببینیم در یک نظام باید ببینیم یعنی مجموعه ادله

به هر حال خداوند تعهداتی را بر عهده ائمه قرار داده، تحت عنوان ارشاد جاهل، تبلیغ دین و این بسیار مهم است. معمولاً ائمه بیان دین را از وظایف خودشان قرار داده اند. که دین را برای مردم بیان کنند.

باید بگویم اگر به گونه ای باشد که سکوت امام، موجب اغرا باشد، این جا شک نداریم وظیفه امام بیان است. این جا شاهدش چیست؟ مگر ما چیزی نداریم به نام سنت تقریری؟ سنت تقریری، جنسش با این روایات ناهمسوست. سنت تقریری یعنی این که جلوی امام یک کاری بکنند و امام چیزی نگویند، کسی هم نپرسد که نظرتان چیست؟ خوشتان می آید یا نه؟ مثل این که امام جایی نشسته باشند و کسی هم چهچه بزند و بخواند و شبیه غنا هم داشته باشد و امام هم چیزی نگویند، مکان تقیه و زمان تقیه هم نباشد که دست ما بسته باشد ما این جا چیزی نمی توانیم بگویم، به عبارت دیگر این روایت نباید زخمی بر آن سنت تقریری معصوم بزند. این یک نکته؛ یک حدی از مساله تعدیل شود....

نکته دیگری که من فکر می کنم این روایات، می خواهد خیال مسلمانان را از این راحت بودن در بیاورد که فکر کنند امام علیه السلام در هر زمان و در هر مکان، موظف به بیان است. یعنی در واقع امام می خواهند این اندیشه را تعدیل کنند، بگویند از ما «توانستن» اما از شما «خواستن».... ما باید بتوانیم جواب شما را بدهیم؛ چون امام شما هستیم. اما شما هم باید بخواهید. وقتی راوی سوال می کند حقا علینا ان نسألکم؟ قال: نعم... پس امام می فرمایند از شما خواستن... قلت حقا علیکم ان تجیبونا؟ شما موظفید جواب بدهید یا صرف سوال ما؟ فرمودند: نه.... به این معنی نیست که ما موظف به جواب در هر شرایطی باشیم. چون میدانید که این ها خیلی وقتها که سوال می کردند، سوالشان خلاف تقیه بود اگر ائمه جواب میدادند.

بحث این است که فهم روایات را باید مطلع باشیم که اصولاً در چه دورانی صادر شده است. و الا می شود تصور کنیم وظیفه علما ارشاد جاهل باشد (مخصوصاً جاهلی که سوال کرده است) و وظیفه امام علیه السلام نباشد؛ الان اگر یک نمازگزاری از من سوال کند، آیا من وظیفه دارم جواب بدهم یا نه؟ شبیه اش هم حکمیه باشد، آیا باید بگویم یا نه؟ ارشاد جاهل که می دانید برخی می گویند ادله اش مطلق است.

بحث این است که اگر جاهل سوال کند دیگر کار تمام است در روایت هم هست که خداوند متعال تعهد نگرفته از جاهل که یاد

بگیرند مگر آن که قبل از آن از علما تعهد گرفته است که جواب بدهند. پس این روایات را باید مدیریت کنید. از آن طرف سنت تقریری را داریم از طرف دیگر می دانیم خیلی سوال ها برای کذا و کذا بوده (صرفاً برای کسب خبر نبوده!)... ائمه هم می خواستند که خودشان را گیر این جریان نیندازند، از طرفی ادله ارشاد جاهل را هم در نظر بگیرید. به نظر ما در نظام حلقوی، به این نتیجه میرسیم که اگر سیره ای باشد در آینده می آید. بین مسلمانان و بین شیعیان و این امر منکر باشد و مانعی برای بیان امام نباشد، حرف این دو سید محترم که نام بردیم، قابل دفاع است. با همین شرایط که گفتیم. سیره ای بناست بیاید مستنکر، عام، فراگیر و مانعی هم برای بیان امام نیست. این روایات را نباید به گونه ای معنا کنیم که مخالف تسالمی باشد که امام در پیش گرفته است. وظیفه امام فقط رفع منکر موجود نیست، پیشگیری از منکری هم که بناست بیاید هم وظیفه است. راجع به علم ائمه نسبت به موضوعات، (حوادث فی الحال یا آینده) محل بحث است (علم ائمه علیهم السلام) و میدانید که حداقل سه نظر هست. یک نظر این است که ائمه عالم بما کان و ما یكون و ما هو کائن من الاحکام الشرعیه و الموضوعات الخارجیه هستند... اتفاقاً برخی روایات ما همین ها را دلالت می کند. دوم: دلیلی که ائمه ما علیهم صلوات الله، حتی پیامبر عظیم الشان (عالم به آن چه به دین مربوط می شود) شما صد هزارتا سوال از امام جواد هفت ساله، راجع به احکام پرسید، ایشان جواب می دهند یا امام هادی علیهما السلام... اما راجع به موضوعات برخی معتقدند نه!!!

از علما مثل شیخ حر عاملی می گوید ما دلیلی نداریم، که راجع به موضوعات علم امام احاطه داشته باشد!!!!

برخی هم معتقد به همان نظر تفصیلی هستند که ان شاءوا علموا و ان شاءوا لم یعلموا...

رساله علم امام علامه طباطبایی را ببینید و برخی نظرات دیگران ...

بحث ما بر این مبناست که بگوییم ائمه، علیهم صلوات الله نسبت به سیره های آینده، عالم اند یا مثلاً فرض کنید قابل پیش بینی است... این که امام صادق فرمودند یاتی زمان... مفضل بن عمر بود که به نقل از امام علیه السلام گفته بود زمان هرجی می آید، احادیث ما را یادداشت کنید... بحث این است که این دست مطالب که علم غیب لازم ندارد، این فراست می خواهد. که بالاخره بنا هست عصر غیبت بیاید و بیاید شما بیچاره می شوید و لذا احادیث ما را یادداشت کنید. امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام این احادیث را پالایش کردند.....

موضع ما نسبت به علم ائمه نظر بنده این است که «فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی» و اگر سوال کنند می گویم در این حیطة نمی توانم نظر بدهم...

آقایان خوبی و شیخ انصاری هم چنین موضعی داشتند....؛

راهی که ما برای تصحیح این سیره های موجود، یعنی بعد عصر غیبت میرویم عبارت است راهی که نه اتصال بخواهد حتی اگر مربوط به حوزه شریعت باشد، به عبارت دیگر عین قانون گذاری باشد؛ اتصال هم ندارد اصلاً هم نمی خواهیم به مسائل علم غیب و نهی از منکر تمسک کنیم. حالا آن راه چیست، باشد برای هفته آینده، دوست دارم راجع به آن فکر کنید. مطلب جای خوبی تمام شد. به نظر شما راه دیگری داریم که ما سیره ها را درست کنیم؟

الحمد لله رب العالمین